

ظروف گلی لعابدار نیشاپور

دکتر عیسی بهنام

دانشیار دانشکده ادبیات

عکسها از امیر رضوی پور

ممکن است کسانی باشند که صنعت کوزه‌گری ایران را ناچیز گرفته، برای آن اهمیتی قائل نباشند. اما برای آنهایی که سعی دارند از روی آثار ملل بی‌تمدن و شخصیت وحتى تاریخ آنها ببرند، مطالعه ظروف سفالین اهمیت فراوان دارد. در عمل، ما تاریخ و درجه تمدن مردمی را که در ایران پیش از ورود ایرانیها به این سرزمین مسکن میکرده‌اند، فقط از روی سفال آنها میتوانیم بشناسیم. آثار نقاشی مردمی که در حدود شش هزار سال پیش ساکن فلات ایران بوده‌اند ممکن نبود تا این تاریخ باقی بماند و حال اینکه ظروف سفالین همین مردم بما نشان میدهد که چگونه در فن نقاشی پیشرفت کرده بودند؛ بطوریکه بعضی از نقاشان عصر حاضر در اروپا ادعا دارند که برای ایجاد سبک‌های نوین نقاشی از ظروف پیش از تاریخ ساکنین فلات ایران الهام گرفته‌اند.

ظروف سفالین لعابدار در دوران اسلامی چه در ایران خصوصاً، و چه بطور کلی در تمام کشورهای شرقی که مذهب اسلام را پذیرفتند بمنزله بهترین شاهکارهای هنری بشمار میرفت؛ بطوریکه بر روی عده بسیاری از آنها امضاء سازنده آنها دیده میشود. وجود امضاء سازنده بر روی ظرف این مطلب را میرساند که سازندگان این ظروف خود باین نکته آگاهی داشتند که شاهکارهایی ایجاد میکنند که مورد پسند مردم است، و بساختن آنها فخر و مباهات داشتند. تا چند سال قبل قسمت اسلامی موزه ایران باستان از حیث ظروف اسلامی بسیار فقیر



بشقاب پایه دار یضی شکل - از حفاریهای نیشاپور - متعلق به قرن ۳ هجری

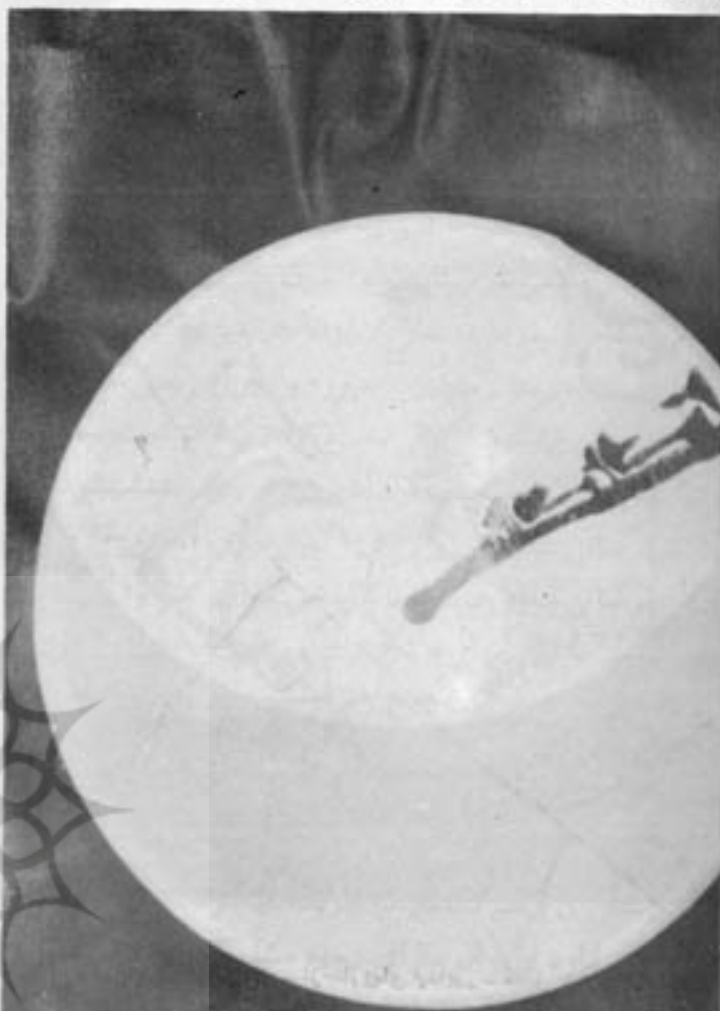
دو قطر ۲۳ و ۲۴ سانتیمتر و ارتفاع آن ۲۱ - زمینه خامه‌ای و نقش قهوه‌ای سیر نزدیک بقره. نقش آن عبارت از کتیبه‌ایست مرکب از کلماتی بخط کوفی که هنوز خواننده نشده.

بود. زیرا در قرن اخیر هرچه ظروف گلی لعابدار در ایران کشف شده بود با اروپا یا آمریکا برده بودند؛ بطوریکه بیشتر موزه‌های خارج از ایران نمونه‌های متعدد و زیبایی از ظروف سفالین ایرانی داشتند؛ و حال آنکه موزه ایران باستان تعداد ناچیزی از ظروف دوران اسلامی را در قفسه‌های خود بمعرض نمایش قرار داده بود.

در سال ۱۹۳۷ آمریکا هیئت بریاست آقای (اوپتن) برای حفاری در شهر نیشاپور فرستادند. شاید کاوش کنندگان امید داشتند که در شهر نیشاپور آثار زیادی از دوران ساسانی بدست بیاورند. ولی اتفاقاً آثاری از عهد ساسانی که در این شهر بدست آنها افتاد بسیار ناچیز بود. و در عوض مجموعه بسیار زیبایی از ظروف اسلامی بدست آوردند، که نیمی از آن سهم موزه تهران گردید، و نیم دیگر را طبق قانون عتیقات بکاوش کنندگان برای حمل بآمریکا دادند.

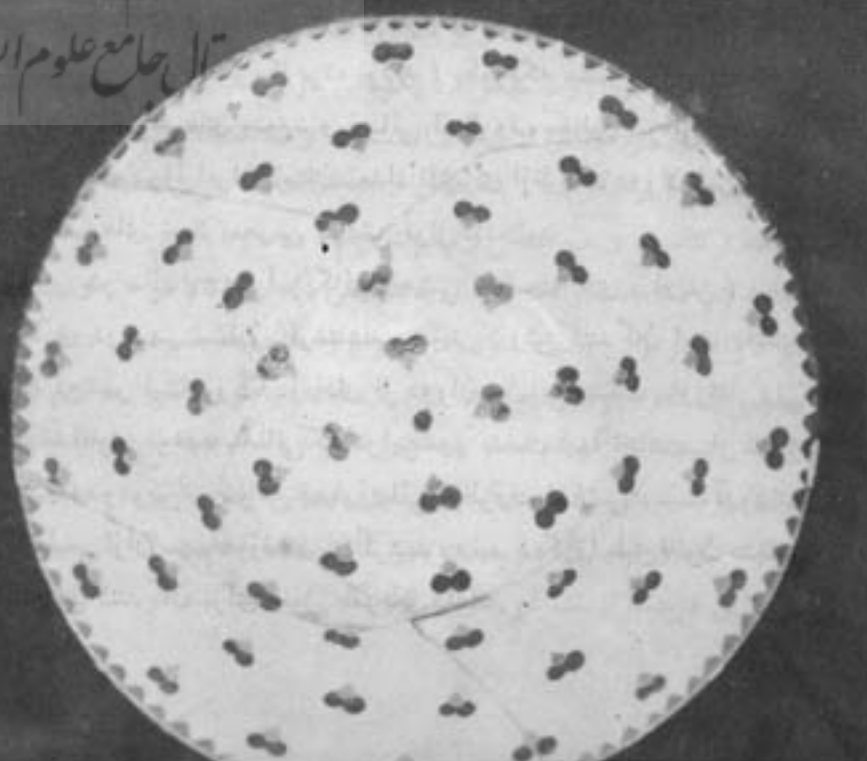
بشقاب سرد - از نیشابور - قرن سوم هجری

۲۰ بلندی ۸ سانتیمتر - زمینه خامه‌ای و تکه نقش آن قهوه‌ای سیر نقش این بشقاب که ترکیب جدیدی
وفی بنظر میرسد شباهت زیادی بنقش‌های چینی دارد و سادگی آن حکایت از جدیدترین طرح‌هایی کند



پک بشقاب دیگر از نیشابور - قرن ۳
قطر ۲۷/۵ و بلندی ۸ سانتیمتر - زمینه
خامه‌ای و نقشها بدورنگ در زمینه
قهوه‌ای - از نظر سادگی نقش شباهت
زیادی بنقش بشقاب بالائی دارد.

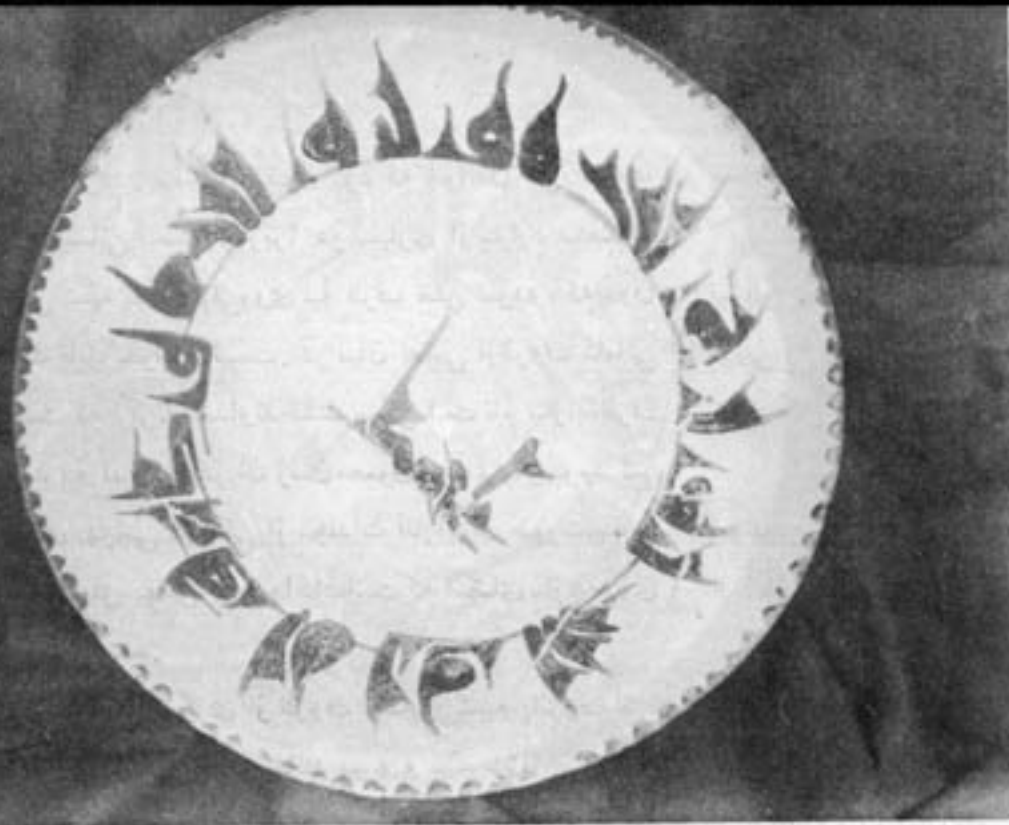
شهرستان گاه علوم انسانی
تال جامع علوم انسانی



بدین طریق موزه ایران باستان توانست تالارهای
بخش اسلامی خود را بطرز آبرومندی مرتب نماید.
زیرا متأسفانه گذشته از ظروف سفالینی که از کاوشهای
نیشابور و چند نقطه دیگر بدست آمد، قرن سوم هجری
ایران آثار فراوان دیگری بیادگار نگذاشته، تا بتوان
از روی آن در تاریکی‌ها و فترت واقع بین تسلط عرب
بر ایران تا برگشت استقلال این کشور پیش رفت.
در حقیقت تا بیخ ایران پس از تسلط عرب بسیار
روشن نیست. بطور کلی میدانیم که مردم اغلب
شهرهای ایران باستانی مذهب اسلام را پذیرفتند،
ولی علاقه با استقلال خود را ازدست ندادند و هیچوقت
نخواستند خود را مطیع خلافت دمشق یا بغداد بدانند.
مورخان ادبا در تاریخ ادبیات ایران این مطلب را
روشن ساخته اند که چگونه پس از دو یا سه قرن
بعد از اقراض سلسله ساسانی حس ملیت هنوز دست
نخورده باقی مانده بود. بطوریکه فردوسی توانست
شاهنامه خود را که از گذشته پر افتخار ایران یاد
کرده بزبان فارسی بنظم درآورد. از نقطه نظر سیاسی نیز
بزودی ایران خود را از اطاعت اعراب خارج ساخت.

از نظر هنری
از قرن سوم هجری بعد
ایران کاملاً خود را
از بغداد مجزا ساخت.
بطوریکه در قرن پنجم
در ایران مساجدی
ساخته شد که بیشتر
بکاخهای قدیم ساسانی
شباهت داشت و از
آن تاریخ بعد سبک
ساختمانی ائینه مذهبی
ایران بکلی از سبک
ساختمانی ائینه مذهبی
سایر کشورهای
اسلامی مجزا گشت.

بنقاب نیشابور - قرن سوم
 قطر ۳۱ و بلندی لبه ۹
 سانتیمتر - زمینه خامه‌ای
 و نقش قهوه‌ای . طرح
 نیشابوری با خط کوفی تفتن
 کرده ، آنرا در این ظرف
 بصورت بسیار تازه ای
 در آورده است و کوشیده
 که طرح مرغ و سر مرغ
 از آن در بیآورد - کتیبه
 خوانده نشده .



نیشابور در قرن سوم هجری شهر بسیار بزرگ و آبادی
 بوده و در حقیقت مرکز مقاومت حسن ملیت ایرانی گردیده
 است . بطوریکه خلفا هیچوقت نتوانستند بر مشرق ایران
 تسلط کامل بیابند و نواحی خراسان و افغانستان را همواره
 بمنزله ایالات از دست رفته بشمار می‌آوردند . از نظر بازرگانی
 نیشابور دنیای عرب یعنی کشور خلفا را بدنیای شرق یعنی
 آسیای مرکزی و چین متصل میساخت . هارون الرشید از
 کشور چین مقدار قابل توجهی ظروف چینی از راه نیشابور وارد
 پایتخت خود سامره نمود و احتمال دارد که هنرمندانی نیز
 از چین برای آموختن فن چینی سازی بآن شهر آمده باشند .
 کاروانتهائیکه حامل ظروف چینی برای سامره بودند
 در نیشابور مدتی توقف کرده احتمالاً در آنجا داد و ستد
 مینمودند و باین طریق کوزه گران نیشابور با ظروف چینی
 آشنائی پیدا کردند . ساختن ظروف چینی برای هنرمندان ایرانی
 کار آسانی نبود . زیرا در کشور چین برای ساختن ظروف گلی
 خاک مخصوصی بکار میبردند که در کشور ایران بدست نمیآید .
 با این حال این امر کاملاً روشن است که هنرمندان نیشابور
 از ظروف چینی تقلید نموده سعی کرده اند ظروف گلی خود را

شبیبه به آن بسازند .
 در کشور چین چنین معمول بود که روی ظروف گلی
 خود نقوش بسیار ساده‌ای نقش میکردند . و حتی المقدور
 از پر کردن فضای خالی خودداری مینمودند . و اتفاقاً شهر
 نیشابور تنها نقطه‌ای از ایران است که در قرن سوم و چهارم
 هجری ظروف گلی لعابدار با نقش ساده‌را بوجود آورده است .
 مطلب را از عکسهائی که در این مقاله داده شده است و توضیحات
 آنها بخوبی می‌توان درک کرد ، و از دیدن اصل ظروف در موزه
 تهران نیز همین مطلب بهتر استنباط میگردد .
 ظروف مکشوفه در نیشابور را بچند دسته میتوان
 تقسیم کرد .

دسته نسبتاً زیادی از این ظروف تهرنگی شیر - قهوه‌ای
 یا خامه‌ای دارند ، و روی زمینه خامه‌ای نقوش بسیار مختصر
 و ساده‌ای برنگ سیاه یا قهوه‌ای ، یا گاهی اوقات قرمز مخلوط
 بقهوه‌ای سوخته ، نقش گردیده است . این نقوش در بسیاری
 از موارد مرکب از کتیبه‌هائی بخط کوفی است که متأسفانه
 هنوز همه آنها خوانده نشده است ولی متصدیان امر در موزه
 تهران اهتمام کامل در قرائت آن بکار میبرند و امید میرود
 که بزودی کتاب کوچکی متضمن تمام کتیبه‌های ظروف
 نیشابور بوسیله موزه داران قسمت اسلامی موزه ایران باستان

منتشر گردد. ضمناً باید قبول کرد که خواندن این کتیبه‌ها کار آسانی نیست. زیرا در بسیاری از موارد صنعتگر نقشی شبیه بخط کوفی روی لبه ظرف نقش نموده، که بدون شک قابل خواندن نیست. در میان بعضی از ظروف کلماتی هست که اگر نام خداوند نباشد ممکن است نام سازنده ظرف باشد، و این کار در آن زمان معمول بوده، و مرحوم دکتر مهدی بهرامی در یکی از مجلدات آثار ایران صورت چندین ظرف متعلق به همین دوره را داده است که امضای سازنده روی آن نقش شده.

دسته دیگری از ظروف نیشابور شبیه بطروف تقره ساسانی است، و نقوشی مانند مرغ و سیمرغ یا اسب‌سوار و غیره بر روی آن دیده میشود. در این موارد شکی نیست که خواسته اند بعزت نادر بودن ظروف تقره چیزی شبیه به آن بسازند. زیرا ما بطور قطع میدانیم که در اوایل دوره اسلامی سعی نموده‌اند بطروف گلی تلالو فلزی بدهند، بطوریکه از دور بتوان آنها را با ظروف طلا یا تقره اشتباه نمود. در گرگان، در قرن ششم و هفتم هجری بخوبی از عهده این کار برآمدند، و ظروفی شبیه بطروف زرین ساختند، که نمونه‌های بسیار خوبی از این گونه ظروف در موزه ایران

باستان موجود است.

بنا بر گفته‌های فوق چنین استنباط میگردد که هنرمند نیشابوری هم از گذشته خود استفاده نموده و هم اصول نوینی را باقتباس از کشور های خارجی در تکمیل صنعت خود بکار برده است.

این مطلب از دسته دیگری از ظروف نیشابور بهتر استنباط میگردد. در این دسته از ظروف هنرمند نیشابوری از نقش‌های متداول بین ترکمانان، که در مجاورت آنها میزیستند، استفاده نموده؛ رنگهای خام و شدید مانند زرد و قهوه‌ای و سبز بکار برده است و تمایل مخصوصی بنقوش هندسی پیچیده و در هم نشان داده است. این سبک مخصوص ترکمانان و ساکنان ماوراءالنهر بوده است و هنوز هم میان آن قبائل معمول است.

دسته دیگری از ظروف نیشابوری رنگهائی شبیه بلکه‌های رنگین دارند که نقوش بصورت کنده‌کاری در داخل آنها دیده میشود. از این نوع اخیر در آمل نیز بمقدار زیاد پیدا شده است ولی ظروف آمل در حدود یک قرن از ظروف نیشابور جوانتر است.

بطوریکه باید چنین فرض کرد که این ابتکار ابتدا

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی



پنجاه نیشابور - قرن سوم هجری
 قطر ۳۸ و بلندی لبه ۷ سانتیمتر -
 زمینه خامه‌ای و نقش قهوه‌ای .
 یک کتیبه بخط کوفی در حاشیه
 دارد که نقاش دور قطعه‌های آنرا
 با زینتی پوشانده . درست پتکس
 طرح‌های ساده پیش‌نقاش نیشابوری
 در اینجا دچار همان ترس معهود
 از خلا است .



دو بشقاب دیگر
از نیشابور
قرن سوم هجری
بالائی بقطر
۲۰ و بلندی ۷/۵
سانتیمتر و رنگ
نقوش (ترنج و
گلبرگ و

طرحهای هنسی) زرد و قهوه‌ای و سیاه و قرمز.
با زمینه خامه‌ای. و پائینی بقطر ۲۱ و بلندی ۱۰
سانتیمتر. با زمینه خامه‌ای و رنگ نقوش قهوه‌ای.
نقش این دو بشقاب شباهت تام بنقوش قالیهای
ترکمنی دارد و جای خالی در متن نگذاشته است.



در نیشابور معمول گردیده ، بعد به آمل رسوخ
یافته است. تعداد زیادی از اینگونه ظروف لیک‌دار
با کنده کاری نیز از شهر ری بدست آمده است.

امروز موزه ایران باستان چهار قفسه بزرگ
از ظروف نیشابور را در بخش اسلامی خود محفوظ
داشته ، در صورتیکه در حدود بیست سال پیش ،
بیش از چند نمونه از این ظروف در اختیار نداشت.

هر کس امروز گذارش بموزه ایران باستان
بیانند و این ظرفها را مطالعه کند جز این نتواند گفت
که از حیث سادگی نقوش و لطافت ماده تاکنون
کوزه‌گران سایر شهرهای ایران هیچکدام
نتوانسته‌اند ظرفی نظیر ظروف گلی لعابدار نیشابور
بسازند .

